

تحلیل فارن پالسی از توافق ابوظبی – تل آویو؛
دستاورد سیاست خارجی ترامپ درازای آزادی عمل امارات در لیبی
توافق اخیر میان اسرائیل و امارات شکاف منطقه‌ای میان کشورهای سنتگرای سلطنتی و رقبایشان را تقویت کرده‌در حالی که نیروهای نیابتی مورد حمایت هر یک از آنها همچنان به جنگشان بر سر غنایم جنگی از لیبی تا یمن ادامه خواهند داد. جیسون پک، بنیانگذار انستیتوی Libya-Analysis در فارن پالسی می‌نویسد: برای چند دهه، جنگ اعراب-اسرائیل گسل ژئوپلتیکی اصلی در خاورمیانه به حساب می‌آمد. اما در سال‌های اخیر این مورد با توجه به نزدیک شدن بی‌سر و صدای کشور‌های عرب حوزه خلیج فارس به اسرائیل دیگر موضوعیت ندارد. توافق اخیر عادی سازی روابط بین اسرائیل و امارات صرفا این تغییر رویه را رسمی ساخت. اگر چه این توافق ممکن است تأثیر چندانی بر حل نزاع اسرائیل-فلسطین نداشته باشد و عمدتا از آن اجتناب کرده است، اما تأثیراتی عمیق بر حوزه‌های دیگر گذاشته و باعث تشدید جنگ سرد معاصر ی می‌شود که از زمان بهار عربی منطقه را درگیر ساخته است. این تنش‌های منطقه هستند که حل جنگ‌های نیابتی را به ویژه در لیبی دشوار ساخته‌اند؛ جایی که در تاریخ ۲۱ اوت دولت توافق ملی مستقر در طرابلس به صورت یکجانبه آتش بس اعلام کرد. با این حال به رغم اعلام این آتش بس و با توجه به عدم وجود یک تنش‌زدایی واقعی بین دو بلوک رقیب در خاور میانه، امید چندانی به از بین رفتن محر که‌های واقعی درگیری‌های نیابتی فراوان منطقه وجود ندارد. احتمالا این توافق به آینده منطقه با رسمی ساختن وجود شکاف بین دو بلوک رقیب باهمگرایی اسرائیل به طرف بلوک ضداخوان المسلمین، سنتگرا و حامی سلطنت متشکل از مصر، اردن، مراکش، امارات، عربستان و تا میزان کمتری عمان، سودان و کویت شکل می‌دهد. این بلوک با وجود داشتن بخش عمده قدرت اقتصادی اما در برابر گروه در حال ظهور دولت‌های مخالف با وضع موجودی که از یک طیف یا طیف دیگر اسلام سیاسی حمایت می‌کنند در موضع دفاعی در منطقه قرار دارد.



متأسفانه دولت دونالد ترامپ به جای سخت گرفتن به اماراتی‌ها که می‌توانست موجب تغییر مسیر بلندپروازی‌های منطقه‌ای آنها و رفتنشان به سمت ایجاد اتفاق نظر شود، تسلیم رویاهای آنها برای سلطه منطقه‌ای شده است. این دولت همچنین رویکرد مشابهی را نیز در قبال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در پیش گرفته و نقش سنتی آمریکا به عنوان میانجی گر بین اسرائیل و دشمنانش را کنار گذاشته و به جایش از تمامی افراطگری‌های نتانیاهو اعم از توسعه شهرک‌ها، تشدید نظامی سازی سیاست خارجی اسرائیل و در پیش گرفتن تدابیر تبعیض آمیز، مفسدانه و غیردموکراتیک داخلی اعماض کرده است. به نظر رسید که این اتفاق فوراً دینامیک‌های اصلی مطرح رادر سیاست آمریکا در قبال لیبی تغییر داد. از ابتدای آغاز به کار دولت ترامپ در ۲۰۱۷ سیاست آمریکا در قبال لیبی دو شاخه بوده و با استفاده از این سیاست مقام‌های ارشد دولت او تلاش کرده‌اند نظر مساعد امارات، مصر و عربستان را جلب کنند. متأسفانه به نظر می‌رسد که آمریکا در حال بازگشت به روزهای بد قدیم است؛ زمانی که تعامل کاخ سفید در قبال لیبی (تحت رهبری مشاور ارشد و داماد ترامپ جارد کوشنر) تنها با تبعیت از محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی صورت می‌گرفت. چهره‌های کلیدی دولت به ویژه مایک پامپئو، از کمک حفر به دشمن آمریکا در کاراکاس خشمگین هستند اما هم اکنون مطابق میل امارات عمل کردن بر این احساسات آنها غلبه کرده است. به طور خلاصه این توافق به صورت تلویحی آمریکا را مجبور خواهد کرد تا از نقش میانجی‌گری خود در لیبی عقب نشینی کند و شکاف در منطقه بین دو بلوک را هر چه شدیدتر سازد. به نظر می‌رسد که ترامپ و کوشنر نهایتاً پرونده لیبی را به ابوظبی در ازای یک پیروزی داخلی فروخته‌اند.

ادامه سر کوب معترضان بلاروس با حضور رئیس‌جمهور

لوکاشنکو دست به سلاح شد!



فرشاد گلزاری

اعتراض‌ها به نتایج انتخابات ریاست جمهوری بلاروس همچنان ادامه دارد. اعتراض‌هایی که به گفته کارشناسان، دور از انتظار بوده و بدون تردید واکنش دولت هم دور انتظار خواهد بود؛ چراکه دعوا میان معترضان و اپوزیسیون با رئیس جمهوری بلاروس، بر سر تصاحب قدرت است.

این بدان معنی است که هیچ‌کدام از طرفین کوتاه نخواهند آمد و به همین دلیل دولت برای آنکه حرف خود را به کرسی بنشانند از تمام قدرت خود برای اجرای پروژه مشش‌آهنین بهره خواهد برد. مهمترین بخش این تظاهرات، میدان داری سوتلانا تیخونوفسکایا، رهبر اپوزیسیون بلاروس است. تیخونوفسکایا پس از آنکه دولت بلاروس نتایج انتخابات را اعلام کرد و او را بازنده میدان دانست، از مینسک خارج شد و حالا در همسایگی بلاروس یعنی در لیتوانی اقامت دارد و در حال مدیریت تظاهرات

است. او که به نیابت از همسرش (یکی از مخالفان لوکاشنکو) وارد عرصه انتخابات شده بود، حالا با تمام قدرت خود در حال تحریم جمهوری و سم‌پاشی علیه رئیس‌جمهوری است که تمام قد از روسیه دستور می‌گیرد. لوکاشنکو که از سال ۱۹۹۶ میلادی تاکنون به عنوان رئیس‌جمهوری بلاروس در حال حکمرانی است، این روزها به شدت ترسیده است و هر کاری برای ابقا در هر م قدرت انجام می‌دهد. یکی از اقدامات او طی هفته و روزهای گذشته، به خیابان آوردن طرفداران خود برای حمایت از دولت و همچنین راه‌اندازی کارنوال علیه معترضان بوده است. به عنوان مثال لوکاشنکو روز شنبه با حضور در شهر گروندو در میان حامیان خود اقدام به سخنرانی کرد و در مقابل او صدها تن از حامیانش با پرچم بلاروس، حمایت خودشان را از وی اعلام کردند. نکته بسیار مهم و البته جلب توجه این است که الکساندر لوکاشنکو با بالا گرفتن اعتراض‌ها به این نتیجه رسیده که برای آرام کردن اوضاع باید یک سناریوی جدید طراحی و اجرا کند

که درون مایهٔ آن به مسائل خارجی ربط داشته باشد. بر این اساس او چند روزی است که سناریوی شیخ جنگ و حمله از خارج به بلاروس را کلید زده است. او در میان حامیان خود اعلام کرده است که در مرزهای غربی وضعیت نامساعد است و آنها (کشورهای غربی) در حال تهدید ما هستند و علناً در امور داخلی کشور که دارای حاکمیت مستقل است، دخالت می‌کنند! لوکاشنکو در ادامه سخنان خود علاوه بر آنکه می‌گوید «اگر من نبودم، بلاروس نابود شده بود»، صریحا و بدون ارائه هیچ مدرک مستندی اعلام می‌کند که دستوراتی به افسران گارد مرزی داده تا مانع از انتقال سلاح، افراد مسلح یا افراد خرابکار به داخل کشور شوند.

به گفته لوکاشنکو، تمام کسانی که در بلاروس دست به آشوب زدند، از کشورهای همسایه آمده‌اند و از سوی دولت‌های خارجی حمایت می‌شوند. این مدل از سخن گفتن لوکاشنکو بدون تردید نشان از آن دارد که وی همانند بسیاری از دیکتاتورهای تاریخ، به دنبال آن است تا یک دشمن خارجی برای

احتمالاً ایالات متحده در حال اجرای مدلی از سناریوی اوکراین در بلاروس است، اما مساله اینجاست که بسیاری از ناظران معتقدند پوتین می‌خواهد بلاروس در مدار مسکوباشد؛ یا با بدون لوکاشنکو!

خودبتراشد ولی هیچگاه این موضوع را مطرح نکرده که چرا قبضهٔ قدرت را به حدی با انگشتانش فشرده است که هیچ حزب و گروهی قابلیت مشارکت در ساختار سیاسی و قدرت بلاروس را ندارد؟ طبیعی است که ناتو ادعای حمله به مرزهای بلاروس و نقض حریم آن را تکذیب می‌کند و از سوی دیگر، رهبر اپوزیسیون بلاروس هم صریحا اعلام می‌کند که لوکاشنکو دیر یا زود از قدت کناره‌گیری می‌کند! اینکه چه اتفاقی در حال رخ دادن است، تا حدی زیادی مشخص شده اما مساله اینجاست که لوکاشنکو حالا در حال بازی با کارت روسیه و پوتین است.

او در میان حامیانش که به سخنرانی او گوش می‌دهند، می‌گوید که «باید از دوست خوبم پوتین تشکر کنم که از من پرسید چرا ساکت مانده‌ای؟ و من پاسخ دادم به زودی خبرهایی از من می‌شنوید و اکنون شما شنیدید». شاید عده‌ای فکر کنند لوکاشنکو در حال تزریق این پیام است که به زودی ساختار را اصلاح می‌کند یا ز قدرت کناره‌گیری خواهد کرد، اما ماجرا چیز دیگری است.

انگشت روی ماشه!

دقیقاً چند ساعت پس از این سخنان لوکاشنکو، یکباره دنیا با یک صحنه بسیار عجیب و غریب روبرو شد: لوکاشنکو با سلاح جنگی خود اعلام کرده است که در مرزهای آری، این برگی از مدل دموکراسی است که در اروپای شرقی سال‌ها مورد نقد دوست و دشمن است؛ مدلی که خیابان‌ها را به میدان جنگ تبدیل می‌کند و فراتر از اجرای یک پروژه با درون مایهٔ مشش‌آهنین است. جهان حالا به خوبی می‌بیند که در قرن بیست و یکم، خیابان‌های مینسک شاهد مسلح شدن یک «رئیس‌جمهور» است و این اقدام تنها چند ساعت پس از آن انجام می‌شود که لوکاشنکو در میان حامیان خود از صحبتش با پوتین پرده برمی‌دارد! نمی‌دانیم که آیا پوتین و کرملین به او گفته‌اند که دست به سلاح شود یا اینکه این ایدهٔ اطرافیان لوکاشنکو بوده است، اما هر چه است، این اقدام نه تنها در شأن عالی‌ترین مقام یک کشور نیست، بلکه باعث می‌شود اپوزیسیون و معترضان در کف خیابان بیش از پیش تحریک شوند.

برخی دیگر معتقدند که این اقدام مسلحانهٔ لوکاشنکو نوعی پاسخ به معترضان است که شب یکشنبه نخست در منطقه استیل شهر مینسک جمع شدند و از آنجا به طرف کاخ استقلال، اقامتگاه رهبر کشورشان عزیمت کردند. بر این اساس اسپوتنیک گزارش داده است که بیش از ۲۰ هزار نفر در این میدان جمع شده‌اند و همین موضوع لوکاشنکو را ترسانده است. بعد از

نمی‌دانیم که آیا کرملین به لوکاشنکو گفته که دست به سلاح شود یا اینکه این ایدهٔ اطرافیان او بوده؛ اما هر چه است، این اقدام نه تنها در شأن عالی‌ترین مقام یک کشور نیست، بلکه باعث می‌شود اپوزیسیون و معترضان بیش از پیش تحریک شوند

این تجمعات بود که تصویری از سوی رسانه‌های دولتی منتشر شد و نشان داد که یک هلی‌کوپتر دولتی حامل لوکاشنکو بر زمین فرود آمد و پس از پیاده شدن مشخص شد که لوکاشنکو یک تفنگ کلاشینکف در دست و جلیقه ضد گلوله

به تن دارد.

در همین حال وزارت دفاع بلاروس اعلام کرد از این لحظه ارتش به جای پلیس به هر گونه ناآرامی در نزدیکی بناهای یادبود قربانیان جنگ جهانی دوم در مینسک پاسخ خواهد داد و این دقیقاً همان اعمال قدرتی است که مشخص نیست چه کسی به غیر از لوکاشنکو در پشت پرده آن قرار دارد.

در همین راستا رهبر اپوزیسیون بلاروس ابراز امیدواری کرده که میان مقامات بلاروس و معترضان کانال گفت‌وگو ایجاد شود و این در حالییست که مقامات کرملین معتقدند هر گونه دخالت خارجی علیه بلاروس باید پایان یابد. مولفه‌ها در مینسک به خوبی نشان می‌دهد که اگر پای قدرت خارجی در میان باشد، احتمالاً ایالات متحده در حال اجرای مدلی از سناریوی اوکراین در بلاروس است اما مساله اینجاست که بسیاری از ناظران معتقدند که پوتین می‌خواهد بلاروس در مدار مسکو باشد؛ یا با بدون لوکاشنکو! بنابر این احتمال کنار گذاشتن لوکاشنکو طی ماه‌ها یا هفته‌های آینده وجود دارد اما باید دید که آیا او در دقیقهٔ ۹۰ راضی می‌شود که از قدرت کنار برود یا اینکه بر ابقای خود در قدرت اصرار می‌ورزد.

هیات طالبان وارد پاکستان شد

سخنگوی طالبان و مقام‌های دیپلماتیک پاکستانی اعلام کردند، هیاتی از این گروه شبه‌نظامی وارد پاکستان شد تا به بررسی روند جریان صلح با رهبری پاکستان پیش از مذاکرات بین‌افغان هابیرداز. به گزارش آناتولی، سهیل شاهین، سخنگوی طالبان در توثیتی نوشت: هیاتی عالی‌رتبه از گروه طالبان به رهبری ملا عبدالغنی برادر، معاون رهبر سیاسی طالبان به ابتکار عمل وزارت خارجه پاکستان به این کشور رفته تا با مقام‌های این کشور درباره آخرین تحولات در باره روند صلح در افغانستان، وضعیت آوارگان افغان در پاکستان، مسافرت برون مرزی و تجارت بین دو کشور به گفتگو بپردازد. وی به جزئیات بیشتر اشاره نکرد که شامل دیدار کدامیک از مقام‌های پاکستان با هیات طالبان می‌شود.

یکی از مقام‌های ارشد وزارت خارجه پاکستان در گفتگو با آناتولی گفت که هیات طالبان روز گذشته (دوشنبه) با رهبری نظامی و غیرنظامی پاکستان گفتگو داشته است. اخیراً دولت کابل ۸۰ شخصیت کلیدی طالبان را آزاد کرد.

